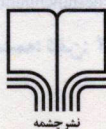


تاریخ حماسی قوم عهد عتیق

از عدن تا تبعید

دیوید رال، ترجمه‌ی اصغر دستگار



نفرجه

فهرست

- ۹ پیش گفتار مترجم
۱۵ پیش گفتار مؤلف

بخش یک: سرچشمه‌ها ۳۱

- ۳۳ فصل اول: آدم و باغ عدن
۴۷ نقشه‌ها و تصاویر
۵۰ فصل دوم: انوک شهرساز
۶۷ نقشه‌ها و تصاویر
۷۱ فصل سوم: نوح و توفان
۸۲ فصل چهارم: نمرود و برج بابل
۱۰۲ فصل پنجم: پسران حام
۱۲۵ نقشه‌ها و تصاویر

بخش دو: سال‌های آوارگی ۱۳۱

- ۱۳۳ فصل ششم: ابراهیم اموری
۱۶۱ نقشه‌ها و تصاویر
۱۶۷ فصل هفتم: راه بندگی
۱۷۵ فصل هشتم: یوسف، وزیر مصر
۱۸۹ نقشه‌ها و تصاویر

بخش سه: عزیمت به سرزمین موعود ۱۹۳

۱۹۵	فصل نهم: موسی، شاهزاده‌ی مصری
۲۱۷	نقشه‌ها و تصاویر
۲۱۹	فصل دهم: موسی و خروج
۲۵۳	نقشه‌ها و تصاویر
۲۵۸	فصل یازدهم: یوشع و فتح کنعان
۲۷۷	نقشه‌ها و تصاویر
۲۸۴	فصل دوازدهم: داوران: دوران تدارک یک دولت
۳۱۹	نقشه‌ها و تصاویر

بخش چهار: پادشاهان افسانه‌ای ۳۲۹

۳۳۱	فصل سیزدهم: شانول و شورش عبریان
۳۵۹	نقشه‌ها و تصاویر
۳۶۵	فصل چهاردهم: داوود، شاه سلحشور
۴۰۵	نقشه‌ها و تصاویر
۴۱۰	فصل پانزدهم: سلیمان
۴۳۵	نقشه‌ها و تصاویر

بخش پنج: دو دولت و دو کشور ۴۳۹

۴۴۱	فصل شانزدهم: دوپارگی
۴۷۱	نقشه‌ها و تصاویر
۴۷۵	فصل هفدهم: بنگر که چگونه قدرتمندان ساقط شدند
۵۰۷	فصل هجدهم: تبعید
۵۲۵	گاه‌شناسی
۵۳۳	منابع
۵۵۱	اختصارات
۵۵۳	نام‌نامه‌ی مؤلف
۵۶۵	نمایه

پیش‌گفتار مترجم

دیوید رال (۱۹۵۰ -) مصرشناس انگلیسی است. از دهه‌ی ۱۹۸۰ نظریه‌هایی در زمینه‌ی مصرشناسی پیش کشید که مغایر نظریات رایج بود. نظریه‌های او به گاه‌شناسی جدیدی منتهی شد که نتیجه‌ی تجدیدنظر او و عده‌ای از محققان بدو در گاه‌شناسی سنتی مصر باستان (به‌خصوص سلاطین سلسله‌های نوزدهم تا بیست و پنجم) و سپس در گاه‌شناسی سنتی خاور نزدیک باستان بود. دیوید رال این گاه‌شناسی را در نخستین کتاب خود، آزمون‌های عتیق از اسطوره تا تاریخ (۱۹۹۵)، مطرح کرد. اساس نظریه‌ی او بر این شرط استوار بود که اگر تاریخ سلطنت شاهان سلسله‌های نوزدهم تا بیست و پنجم مصر را تغییر دهیم، شخصیت‌های اصلی عهد عتیق با آدم‌هایی که نام‌شان در یافته‌های باستان‌شناسی آشفته و پیدا شدن این نام‌ها هیچ‌گره‌ی از گره‌های تاریخ را نگشوده) مطابقت می‌یابند (و نتیجه بسیاری از گره‌های تاریخ گشوده می‌شوند). این نظریه اجزایی از گاه‌شناسی سنتی قرعین‌های پیش از سلسله‌ی نوزدهم را هم خودبه‌خود تغییر می‌داد، اما نظریه‌ی او هنوز میان محققان مقبولیت عام نیافته است.

لیکن نظریه‌ی رال به مصر منحصر نماند. او در دومین کتابش، افسانه: بنیاد تکوین تمدن (۱۹۹۸)، نظریه‌های جدید دیگری در مورد برخی از روایات عهد عتیق مطرح کرد.

سومین کتاب او، که کتاب حاضر است، در واقع بازگویی روایات عهد عتیق از ابتدای سفر تکوین تا پایان کتاب پادشاهان براساس نظریه‌هایی است که در آن دو کتاب مطرح کرده بود.

چاپ اول کتاب حاضر، که در سال ۲۰۰۲ با عنوان عهد گم‌شده منتشر شد و به سرعت به فروش رفت، جنجالی در محافل دانشگاهی برانگیخت و واکنش‌های موافق و مخالف گسترده‌ای در میان محققان این رشته داشت. مؤلف در پیش‌گفتار خود توضیحات لازم را در این زمینه داده است و نیازی به تفصیل ما در این مورد نیست.

افسانه یا روایات افسانه‌وار را نمی‌توان و نباید به صرف این که خیال‌پردازانه و اعجاز‌آمیزند یا از معجزه و عالم غیب سخن گفته‌اند مردود شمرد و از قلمرو عمق و تحلیل بیرون کرد. ما از بشر عهد عتیق نمی‌توانیم و نباید انتظار داشته باشیم که وقایع تاریخی را آن‌گونه که ما امروز روایت می‌کنیم بازگوید (بگذریم که حتی تاریخ‌نگاری امروزمین ما نیز از افسانه و افسانه‌سازی مبرا نیست). ما از بشر عهد عتیق نباید توقع داشته باشیم که به تشریح و تحلیل اسباب و علل وقایع بپردازد و ریشه‌ها و سرچشمه‌های پدیده‌های تاریخی را جست‌وجو کند. اگر در دنیای باستان سیر می‌کنیم و طالب آن‌ایم که از وقایع گذشته‌های دور درک نسبتاً درستی کسب کنیم، باید توقعات مدرنیستی خود را کنار بگذاریم و دنیا را از چشم راویان عهد عتیق بنگریم. تاریخ یا الاهیات راویان عهد عتیق تاریخ آبا و اجداد این راویان بود. و آبا و اجداد این راویان همه خداگونه بودند. کارهایی در حد خدایان می‌کردند و سخنانی در حد خدایان می‌گفتند. دنیای این راویان دنیایی بود پُر از اژدهای هفت‌سر و دیو شاخ‌دار و جن دُم‌دار و فرشته‌ی بال‌دار و آسمان چندطبقه‌ی پله‌دار. دنیایی بود پُر از معجزه، پُر از خدا یا خدایانی که دم‌به‌دقیقه از آسمان پایین می‌آمدند و در کار بشر تجسس یا دخالت می‌کردند. محققان این دسته از روایت‌ها را روایات یا متون «حماسی» خوانده‌اند و با این نام خواسته‌اند این دسته از متون را از سایر متون و روایات واقعی و «تاریخی» جدا کنند. اما چرا سبک این دسته از متون (حماسی بودن این متون) باعث شده است که ما

برای شخصیت‌ها و وقایع این متون اصالت تاریخی قابل نباشیم؟ اگر در متنی حماسی «قهرمانی خداگونه چون گیلگمش شاه اوروک برخورداریم — که برای رسیدن به «حیات جاوید» از سرزمین خود، سومر، به سرزمین زندگان (سرزمین جاودانگان) سفر می‌کند و در آن سرزمین با قهرمان «توفان» آشنا می‌شود و سرانجام خدایان به او نیز حیات جاوید می‌بخشند — می‌توانیم عناصر «معجزه‌گون» این روایت را «غیرتاریخی» بدانیم و قبول کنیم، دیگر چرا کل روایت را دور بیندازیم؟ دیگر چرا موجودیت گیلگمش را رد کنیم؟ آیا درست است که به صرف افسانه‌هایی که حول اقدام پُرخطر او ساخته شده‌اند، موجودیت او را هم انکار کنیم؟ ممکن است این کار درست نباشد. ممکن است این کار باعث شود بخشی از تاریخ را دور بیندازیم، چون مثلاً باستان‌شناسان نشان داده‌اند که آنباراگسی، یکی از شخصیت‌های روایت حماسی گیلگمش، شاه کشور شهر کیش بوده و بنابراین شخصیتی واقعی و تاریخی بوده است. نتیجه‌ی اکتشاف باستان‌شناسان این سخن شد که مردمان در طول اعصار در باب اجزا و عناصر روایتی واقعی افسانه‌سازی کرده‌اند و تاریخ و افسانه را به هم درآمیخته‌اند. این کشف حتی باعث شد عده‌ای از تاریخ‌نگاران نتیجه بگیرند که گیلگمش شخصیتی واقعی و تاریخی و از شخصیت‌های عهد عتیق بوده است (البته نه عهد عتیق مسیحیان). حال اگر گیلگمش را شخصیتی تاریخی بدانیم، آیا نباید این را هم محتمل بدانیم که او بار سفر به سرزمینی دور دست بسته است و بعدها مردمان اعصار و قرون بعدی در باب این سفر پُرخطر افسانه‌سازی کرده‌اند و مقصد او را سرزمین جاودانگان خوانده‌اند و رفته‌رفته سرزمین جاودانگان را هم بهشت (منتها بهشت زمینی) کرده‌اند؟

خب، گیلگمش گیلگمش است، و متعلق به الاهیاتی از بین رفته؛ بنابراین در روزگار ما کسی حساسیتی نسبت به او و کار و کردار او ندارد. اما عهد عتیق و روایات و شخصیت‌های این کتاب چه؟ متون عهد عتیق متعلق به کدام دسته است؟ از جمله‌ی متون حماسی است یا از دسته‌ی متون تاریخی؟ آیا در باب روایات عهد عتیق نیز حاضریم حساسیت‌های خود را کنار بگذاریم؟ می‌توانیم به یقین بگوییم که در متون عهد عتیق نیز افسانه و تاریخ به هم درآمیخته‌اند، اما چه طور می‌توانیم غبار افسانه را از چهره‌ی روایات عهد عتیق بستریم و روایتی تاریخی از متون عهد عتیق ارائه کنیم؟ مثلاً اگر سفر تکوین را برداریم و اجزای افسانه‌ای آن را حذف کنیم، دست‌آخر چند روایت به دست می‌آید که قابل تأمل و بررسی است: